

درس حسین بن علی (ع) به ائمت اسلامی این است که برای حق، برای عدل، برای اقامه‌ی عدل، برای مقابله‌ی با ظلم، باید همیشه آماده بود و باید موجودی خود را به میدان آورد؛ در آن سطح و در آن مقیاس، کار من و شما نیست؛ اما در سطوحی که با وضعیت ما، با حقیقت ما، با عادات ما متناسب باشد چرا باید یاد بگیریم.

امام باقر (ع) پس از شنیدن سروده‌های «کمیت» درباره اهل بیت، گریست و سپس فرمود: هیچ کس نیست که ما را یاد کند، یا نزد او از ما یاد شود؛ و از چشماتش هر چند به اندازه بال بشماید اشک آید، مگر آن که خداوند برایش در بهشت، خانه‌ای بنا کند و آن اشک را حجاب میان او و آتش دوزخ قرار دهد.

فرهنگ نامه

شهر محرم ۱۳۹۲

این کتاب شاهکار به نون حقیقت

آفات عزاداری

حق الناس در عزاداری

بلند کردن صدا در عزاداری ها حرام است و هیچ فرقی بین مسائل مذهبی و امور دنیوی در این موارد نیست.

انسان از آنجایی که تابع احساسات است، در ارتباطات خود بیشتر متوجه به احساسات بوده و حتی در مورد عبادات و اطاعت از پروردگار بیشتر به دنبال امور احساسی می گردد می خواهد روضه امام حسین بروی، ذکر مصیبت سیدالشهدا را می خواهد گوش کند، دنبال هیبتی می رود که بزرگتر است و چراغانی بیشتری دارد و صدای منبریش و بلندگوش تا چند تا محله می رود. زیاد کردن صدای بلند گو حرام است در صورتی که در همسایگی انسان، مریضی باشد، بیماری باشد، افرادی باشد که اینها نمی توانند صدای بلند را تحمل کنند تأثیری بگذارد. یک واعظی از بلندگوی مسجدش صدا را بلند کند به نحوی که موجب اذیت همسایگان بشود این حرام است. در حالی که رسول خدا راجع به رعایت مردم و حفظ امنیت روحی و روانی مردم و رعایت امور همسایگان به ما دستور داده اند.

عبدالله بن الحسن (ع)

آخرین سرباز ابا عبدالله (ع)



روحه نه اناج گشت به خدا قسم از عمویم جدا نمیشوم

در یغ بدار و برکات زمینت را از اینها باز دار؛ پروردگار! پس اگر تا هنگام مرگ آنها را مهلت داده و بهره مند می سازی، بین آنها تفرقه بینداز و هر کدام رابه راهی جداگانه بدار؛ و سردمداران را هرگز از اینها راضی مدار؛ چرا که اینها ما را دعوت کردند تا که یاریمان کنند، سپس بر ما دشمنی کردند و ما را کشتند.» در این هنگام، حرمله تیری به سوی آن کودک انداخت و او را در آغوش عموی خویش به شهادت رساند.

زمانیکه «بجر بن کعب» شمشیر خود را به سوی امام پایین آورد. عبدالله فریاد زد: ای پسر زن ناپاک! وای بر تو! آیا می خواهی عمویم را بکشی؟» بجر قصد ضربه زدن به امام را داشت. ناگاه عبدالله دستش را پیش آورد تا ضربه را از امام دور سازد. ولی دست مبارکش تا پوست قطع شد و دست او یزان گشت. کودک فریادش بلند شد: «یا امته! ای مادر ما!» امام حسین (ع) او را در بر گرفت و به سینه چسباند و فرمود: «ای فرزند برادر ما! بر آنچه به تو رسیده صبر کن و آن را به حساب خیر بگذار؛ چرا که خداوند تو را به پدران صالحت ملحق خواهد کرد.» امام دست خود را به آسمان بلند کرد: «پروردگار! قطرات باران را از اینها

آداب عزاداری

نشانه های ظاهری

یک عزادار واقعی

شیعیان راستین باید در ایام محرم و صفر خود را عزادار نشان بدهند، نه تنها در دل و ذهن بلکه در همه منازل باید وضعیت منزل ها را به نحوی در بیاوریم که مسئله محرم مشخص شود، و باید آثار عزاء و آثار مصیبت اهل بیت مشخص باشد. در منزل شاعر سیدالشهداء را باید بر پا بداریم. زدن سیاهی ها و پرچم سیاه و کتیبه های سیاه، باید باشد تا نشان بدهد که شیعه امیرالمؤمنین در این ایام وضعیتش با دیگر ایام فرقی می کند. نمی گوئیم تمام منزل را سیاه پوش کنید، که بچه ها بترسند، که آن هم غلط است ولی به این مقدار که نشان بدهد که این مساله و موقعیت فرق می کند و حال و هوای منزل هم تغییر خواهد کرد و سعی بشود که از اشعار و اذکار و نوشته ها و بیانات خود سیدالشهداء باشد از رنگارنگی و رنگ آمیزی و... پرهیز کنید. خیلی ساده و خیلی تمیز باشد باید از اول محرم که می شود تا آخر صفر دیگر آجیل و شیرینی در منزل وجود نداشته باشد، اگر مهمان می آید فقط میوه بیاورند و اینها را برای بعد از ماه صفر قرار بدهند.

در روز پنجم محرم الحرام، عبیدالله بن زیاد شبت بن ربیع را با هزار سوار به سوی کربلا فرستاد و همچنین به شخصی به نام زحر بن قیس با پانصد سوار ماموریت داد که بر جسر (پل) صدها ایستاده و از حرکت کسانی که به عزم یاری امام حسین (ع) از کوفه خارج می شوند جلوگیری کند. فردی به نام عامر بن ابی سلامه که عازم بود برای پیوستن به امام (علیه السلام) از برابر زحر بن قیس و سپاهیانش گذشت، زحر بن قیس به او گفت: من از تصمیم تو آگاهم که می خواهی حسین را یاری کنی بازگرد! ولی عامر بن ابی سلامه به زحر بن قیس و سپاهش حمله ور شد و از میان سپاهیان گذشت و کسی جرأت نکرد تا او را دنبال کند. عامر خود را به کربلا رساند و به امام حسین (ع) ملحق شد تا به درجه رفیع شهادت نائل آمد. او از اصحاب امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب (ع) بود که چندین جنگ در رکاب آن حضرت شمشیر زده است.

۵

روز شمار

پیامک

یک نفس آمده ام تا که عمو را نرنی

که به این سینه ی مجروح تو با پانزنی



ذکر «لا حول ولا...» از دو لبش می بارد

با چنین نیزه ی سر سخت، به لبها نرنی

قاصد محرم

.... مسابقه

چه زمانی امام حسین (ع)، لشگریان ظلم را نفرین کردند؟

پاسخ خود را به نشانی زیر ایمیل کنید
info@farhangnews.ir